

روش شناسی به‌کارگیری قاعده سیاق در تفسیر تسنیم

_____ دکتر سهراب مروتی^۱ - مجتبی زینی‌وند^۲ - دکتر حسین آسا^۳ _____

دریافت: ۱۳۹۲/۸/۲۹ - پذیرش: ۱۳۹۳/۲/۲۹

چکیده

قاعده سیاق از جمله قواعد بسیار اثر بخش به‌شمار می‌رود که گروهی از مفسران برای تفسیر قرآن کریم از آن بهره برده‌اند. مفسر بزرگ معاصر، آیه‌الله جوادی آملی، صاحب تفسیر گرانسنگ **تسنیم** نیز در جای جای تفسیرش به نحو محسوس برای تبیین معانی دشوار آیه از این قاعده بهره جسته است. این پژوهش در پی آن است که ضمن معنا شناسی قاعده سیاق، چگونگی به‌کارگیری آن را در تفسیر **تسنیم** در چارچوب‌هایی مانند کشف فعل محذوف، تشخیص مرجع ضمیر و نقد روایات و تقدم قرآن بر حدیث مأثور بررسی و تحلیل نماید. برای دستیابی به این مهم از روش کتابخانه‌ای با بررسی تمام متن استفاده گردیده و در پایان جمع‌آوری، اطلاعات دسته‌بندی و تحلیل شده است.

کلیدواژه‌ها: قاعده سیاق، تفسیر تسنیم، روش‌های تفسیری، جوادی آملی.

۱. دانشیار دانشگاه ایلام، S Ohrab_morovati@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه ایلام، jahad4@chmail.

۳. مدرّس دانشگاه آزاد، واحد تهران شمال، hosasa66@yahoo.com

مقدمه

سیاق یکی از فرینه‌هایی است که در کشف مراد متکلم مؤثر است و توجه به این قاعده موجب فهم صحیح و سازنده از قرآن خواهد شد. در مورد تاریخچه سیاق می‌توان گفت «قاعده سیاق از قرن اول هجری در محاورات مردم عرب زبان کاربرد داشته است»^۱. در روایات معصومین سلام الله علیهم نیز از این قاعده در تفسیر قرآن استفاده شده است»^۲. به کارگیری قاعده سیاق را می‌توان از اوایل قرن سوم در تفسیر مفسرانی از جمله ابن ادريس شافعی (م ۲۰۴)^۳، قرن چهارم در تفسیر ابن جریر طبری^۴، قرن پنجم در تفسیر شیخ طوسی^۵، قرن ششم در تفسیر مجمع البیان طبرسی^۶، قرن هفتم در تفسیر قرطبی^۷، قرن هشتم در تفسیر عبد الله نسفی^۸، قرن نهم در تفسیر ابن کثیر دمشقی^۹، قرن سیزدهم در تفسیر آلوسی^{۱۰} مشاهده کرد که هر یک به نوعی به دلالت سیاق توجه داشته و از آن استفاده کرده‌اند، تا اینکه تفسیر المیزان، سیاق را به صورت برجسته مطرح کرد.

۱. ابن ابی الحدید، عبد الحمید، شرح نهج البلاغه، ج ۵، ص ۱۵۲ و ج ۶، ص ۱۴۱، ۱۰۰ و ۲۹۰.

۲. مدرسی، سید محمد تقی، تفسیر من هدی القرآن، ج ۱، ص ۶۴.

۳. ابن ادريس شافعی، محمد، احکام القرآن، ج ۱، ص ۲۲۶.

۴. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۱۱۸.

۵. شیخ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۴۹.

۶. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۴، ص ۲۴۴.

۷. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، ج ۳، ص ۳۱۹.

۸. نسفی، عبد الله احمد بن محمود، تفسیر النسفی، ج ۱، ص ۳۵، ج ۲، ص ۲۳۶، ج ۳، ص ۱۷۶.

۹. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۱، ص ۳۲، ج ۲، ص ۷ و ج ۳، ص ۱۵.

۱۰. آلوسی، سید محمود، تفسیر روح المعانی، ج ۱، ص ۱۱، ج ۲، ص ۸، ج ۳، ص ۲۱.

مؤلف *المیزان* وی بیش از دو هزار مرتبه (۲۰۵۵ بار) ^۱ از سیاق در تفسیر جملات قرآن بهره گرفته و به ابعاد بسیار اساسی کاربرد سیاق در تبیین معانی آیات استناد کرده است. مرحوم علامه در روش تفسیر قرآن به قرآن، تمسک به سیاق آیات را یکی از ابزارهای کار می‌داند؛ چنان که برخی سیاق را دیدگاهی اساسی و جامع در تکوین متون گفتاری و نوشتاری دانسته و گفته‌اند: «سیاق عامل همبستگی کلام با تفکر آدمی است.» ^۳

بعد از علامه، مؤلف تفسیر *تسنیم* در بیست و چهار جلد چاپ شده - که شامل تفسیر آیات اول قرآن تا آیه ۲۴ سوره انعام می‌باشد - حدود پانصد مورد از سیاق استفاده کرده است. بی‌گمان کثرت استفاده از این قاعده در کمتر از شش سوره بیانگر توجه این مفسر به جایگاه سیاق در فهم حقایق و لطایف قرآن و تأثیر قاعده سیاق در شرح آیات قرآن است. ایشان یکی از وجوه تجلی عقلانیت را در تفسیر قرآن، تکیه بر جایگاه و نقش سیاق در کشف مفاهیم آیات وحیانی بر شمرده، معتقد است قاعده سیاق در تعیین مفاهیم جملات و استنباط حقایق آیات تأثیر چشمگیری دارد و از اصول پذیرفته شده نزد عقلا و دانشوران علوم قرآنی است. ایشان یکی از وجوه تجلی عقلانی در تفسیر قرآن را تکیه بر نقش سیاق در کشف مفاهیم کلام الهی می‌داند تا جایی که «اعتماد بر سیاق آیه و تکیه بر شواهد درونی خود آیات قرآن بر اساس نطق و شهادت و هم‌آوایی آنها نسبت به یکدیگر را مقدم بر حدیث مؤثر می‌شمارد.» ^۴ *تسنیم* برای تمام آیات قرآن بر اساس دیدگاه کسانی که ترتیب آیات و سوره را توقیفی می‌دانند فی الجمله قائل به سیاق است. لذا بر اساس

۱ - طباطبایی، محمد حسین، *المیزان*، ج ۱، ص ۱۱۱، ج ۲، ص ۱۵۸، ج ۳، ص ۱۹۶، ج ۴، ص ۱۵۸، ج ۵، ص ۱۳۶، ج ۶، ص ۱۶۷، ج ۷، ص ۲۰۸، ج ۸، ص ۲۵۲، ج ۱۰، ص ۱۴۸، ج ۱۱، ص ۲۷، ج ۱۲، ص ۶۱، ج ۱۳، ص ۵۳، ج ۱۴، ص ۹۱، ج ۱۵، ص ۹۵، ج ۱۶، ص ۸۸، ج ۱۷، ص ۵۶، ج ۱۸، ص ۷۱، ج ۱۹، ص ۱۱۵، ج ۲۰، ص ۱۶۰.

۲. علوی مهر، حسین، *تاریخ تفسیر و مفسران*، ص ۳۷۵.

۳. کنعانی، سید حسین، «نقد هرمنوتیک از دیدگاه نظریه سیاق»، شماره ۱۰۹، ص ۸۱.

۴. جوادی آملی، عبدالله، *تفسیر تسنیم*، ج ۱، ص ۱۶۵.

این دیدگاه می‌توان در همه قرآن از قاعده سیاق بهره برد، همان‌گونه که صاحب تفسیر **تسنیم** می‌گوید: «ممکن است آیه‌ای جداگانه و مستقل از آیات گذشته نازل شده باشد که در این حال، با گذشته خود ارتباط ندارد، ولی تنظیم آن در تدوین و جمع‌آوری، همراه با تناسب ضمنی خواهد بود؛ البته در این زمینه لازم است سیاق خود آیه و سیاق سابق و لاحق ملحوظ گردد.»^۱

در خصوص موضوع سیاق در قرآن، مقالاتی متعدد در مجلات علمی منتشر شده؛ از جمله «نقش سیاق در اختیار وجوه قرائات»^۲، «تأثیر سیاق در ترجیح قرائات در تفسیر طبری»^۳ و «روش علامه طباطبایی (ره) در بررسی و نقد تفاسیر روایی با تکیه بر قاعده سیاق»^۴؛ اما شاهد مقاله‌ای مستقل در خصوص سیاق در تفسیر **تسنیم**، تألیف مفسر گرانقدر آیه‌الله جوادی آملی نیستیم. پژوهش حاضر به چگونگی به‌کارگیری قاعده سیاق در تفسیر **تسنیم** پرداخته، به این سؤال مهم پاسخ می‌دهد که نمادهای بارز به‌کارگیری این قاعده به چه شکل‌هایی در این تفسیر تبلور یافته است؟

مفهوم شناسی

مفسران و اندیشمندان علوم قرآنی تعاریف مختلفی برای واژه سیاق ارائه کرده‌اند، از جمله در کتاب *ادب فنای مقربان* سیاق چنین تعریف شده است: «سیاق، معنایی است که با ملاحظه صدر و ذیل کلمه یا جمله (فضای کلام) به ذهن انسان می‌رسد.»^۵

در جدیدترین مقالات درباره مفهوم سیاق آمده است که سیاق عبارت است از در نظر گرفتن ارتباط آیه با آیات قبل و بعد جهت رفع ابهام و کشف مراد خداوند متعال از

۱. جوادی آملی، عبدالله، *تفسیر تسنیم*، ج ۲۴، ص ۱۸۱.

۲. ستوده نیا، محمدرضا و زهرا قاسم‌نژاد، دو فصلنامه *علوم قرآن و حدیث*، شماره ۲۰، سال ۹۲.

۳. دو فصلنامه *مطالعات قرآن و حدیث*، شماره ۱۲، بهار و تابستان ۹۲.

۴. مروتی، سهراب و امان‌الله، ناصری کریموند، *حدیث پژوهی*، شماره ۸، سال ۹۱.

۵. جوادی آملی، عبدالله، *ادب فنای مقربان*، ج ۵، ص ۱۱۵.

یک یا چند آیه.^۱

به نظر می‌رسد پشت سرهم آمدن حروف و کلمات را مانند دستگاه حروف چینی که منجر به ایجاد لفظ و جملاتی می‌گردد و معنای جدیدی از آن فهمیده می‌شود، سیاق می‌گویند و رابطه میان معنای لغوی سیاق و معنای اصطلاحی آن این است که معنای لغوی که همان راندن به جلو است، به نوعی نظم و ترتیب بازگشت می‌کند که بر جملات و آیات سایه می‌افکند و بر معنای آن اثر می‌گذارد و خود عامل سوق دهنده ما را به مراد متکلم می‌رساند.

تحلیل مسئله: استفاده از سیاق در موارد بسیاری موجب شده واژه‌ها و کلمات و آیات ظهور خاصی بیابند و معنای جدیدی برای آنها نمود پیدا کند. درک صحیح روند آیات و فضای کلام، مهم‌ترین مسئله در کشف مفاهیم و مقاصد قرآن کریم است. توجه به روش سیاقی دامنه مفهوم واژه‌ها و آیات را وسعت یا ضیق می‌دهد. در **تسنیم** با بهره‌گیری از روش سیاقی، شاهد بروز معانی جدید در حوزه‌های متعدد هستیم. آیه‌الله جوادی آملی در موارد متعددی از روش سیاق در تفسیر آیات بهره برده است که در ادامه با ذکر آیه‌ای به بررسی و تحلیل آنها می‌پردازیم.

الف. بهره‌گیری از سیاق در کشف معانی واژه‌ها

از دیدگاه مؤلف **تسنیم** در بررسی واژگان بر می‌آید که ایشان معتقد است یک واژه می‌تواند در آیات مختلف، کاربردها و معانی متفاوتی داشته باشد؛ به عنوان نمونه در کشف معانی متعدد برای مفردات، می‌توان از واژه **تقوا** یاد کرد. «تقوا» اصلی کلی است که در همه معارف و فضایل ساری و جاری است. **تسنیم** در آیات مختلف برای این واژه با توجه به سیاق آیات معانی متعددی را نقل می‌کند به عنوان نمونه «تقوا» در آیه ﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُشْكُرُونَ﴾ (آل عمران / ۱۲۳) تقوای نظامی دانسته شده، چون در سیاق آیات

۱. مروّتی، سهراب و امان‌الله ناصری کریموند، «روش علامه طباطبایی در بررسی و نقد تفاسیر روایی با تکیه بر قاعده سیاق»، **حدیث پژوهی**، سال چهارم، شماره ۸، ۱۳۹۱ ش، ص ۲۱۱.

جنگ و بدین معناست که مبادا هراس و دلهره‌ای به خود راه دهید؛ بلکه تقوای سیاسی و نظامی را حفظ کنید تا پیروز شوید»^۱ و مراد از تقوا در آیه ﴿نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَتَىٰ شَيْئُكُمْ وَقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَعَلِمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (بقره / ۲۲۳) تقوای خانوادگی است^۲ و در کتاب کرامت در قرآن تقوا در آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْتَظِرْ أَنْفُسَ مَا قَدَّمْتُمْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾ (حشر / ۱۸) را به شهادت سیاق، تقوا در مسائل نفسانی معرفی می‌کند؛ یعنی تقوا در مراقبت و تقوا در محاسبیت.^۳ بدیهی است مفهوم تقوا در بردارنده این معناست که انسان برخواسته‌های خود حاکمیت و تسلط دارد و تنها در حدودی که شرع مقدس اجازه می‌دهد به ارضای آن می‌پردازد و محدود کردن تقوا در برخی آیات به موضوع خاص، بیانگر اهمیت آن بحث و رعایت تقوای بیشتر در آن حوزه است.

ب. تکیه بر سیاق در شناخت مرجع ضمیر

تشخیص صحیح مرجع ضمیر در آیات قرآن همواره مورد اهتمام مفسران بوده است. با این حال، در این مسئله شاهد اختلافات فراوانی هستیم، تا جایی که بسته به نوع تشخیص مرجع ضمیر، گاهی احکام شرعی نیز تغییر می‌کند؛ مانند آیه وضو، لیکن استفاده از روش سیاقی در تشخیص مرجع ضمیر یکی از ابزارهای مورد استفاده مفسران است. اینک نمونه‌ای را در زمینه بهره‌گیری تسنیم از سیاق در کشف مرجع ضمیر ذکر می‌کنیم:

تسنیم ضمیرهای مفرد مذکر در پنج کلمه «تنصروه»، «نصره»، «أخرج»، «يقول»، «لصاحبه» در آیه ﴿إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيًا إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ

۱. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، ج ۱۵، ص ۴۸۴.

۲. همان، ج ۱۱، ص ۱۹۵.

۳. همو، کرامت در قرآن، ص ۱۷۸.

الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى وَكَلِمَةَ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿توبه / ۴۰﴾ را به حضرت رسول اکرم ﷺ برمی‌گرداند و می‌نویسد: «مقتضای سیاق آیه با صرف نظر از شواهد خارجی اعم از قرآنی و روایی این است که این ضمیرهای مشکوک المرجع، همانند ضمائر پنج‌گانه معلوم المرجع به شخص رسول اکرم ﷺ برمی‌گردد، نه به غیر آن حضرت.»^۱

ج. بهره‌گیری از سیاق در کشف معنای آیات

تسنیم در موارد متعددی از روش سیاق در تفسیر آیات بهره برده است. یکی از آن نمونه‌ها معنای «الصلوة» در آیه ﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ﴾ (بقره / ۴۳) است که به نظرایشان به معنای نماز مسلمانان است نه نماز اهل کتاب. به گفته ایشان «مقتضای وحدت سیاق این است که مقصود از نماز، نماز پس از ایمان و اسلام باشد که همان نماز مسلمانان است.»^۲

د. بهره‌گیری از سیاق در کشف ترکیب (نقش) مفردات واژگان

مسئله اعراب و نقش کلمات در آیات قرآن از چنان اهمیتی در کشف مراد خداوند برخوردار است که همه مفسران بدان توجه داشته‌اند؛ از جمله تفسیر مجمع البیان ذیل هر آیه که به تفسیر آن پرداخته، بحثی را به بیان نقش و اعراب کلمات آیات اختصاص داده، تا جایی که فقط در فهرست این تفسیر ده جلدی، حدود هزار بار مسئله «الاعراب» ذیل آیات مطرح شده است.

تسنیم در خصوص آیه ﴿الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾ (بقره / ۳) می‌نویسد: «وحدت سیاق اقتضا می‌کند که بآیه برای صله و تعدیه باشد؛ زیرا ظاهر تعبیر ایمان به غیب همان است که غیب متعلق ایمان باشد»^۳

۱. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، ج ۱، ص ۱۱۲.

۲. همان، ج ۴، ص ۱۱۶.

۳. همان، ج ۲، ص ۱۶۱.

همچنین در آیه ﴿سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ﴾ * إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ﴾ (صفات آیه ۱۵۹-۱۶۰) فاعل «یصفون» را به قرینه وحدت سیاق، کفار می‌داند، به ویژه آنکه در آیات قبل سخن از این بود که کافران خداوند را به داشتن دختران وصف کرده‌اند.^۱

ه. بهره‌گیری از سیاق در کشف فعل محذوف

مفسران همیشه در صدد بوده‌اند محذوف مقدر را به نیکوترین وجه بیان کنند و استدلالشان این است که قرآن احسن الحدیث است؛ پس مقدر و محذوف آن باید احسن المحذوف باشد؛ یعنی از میان محذوفات مقدره، آن که بهتر است برگزیده شود تا جایی که قواعدی برای این مهم وضع نموده‌اند؛ مانند «مقدر، مبین باشد نه مجمل».^۲

تسنیم با بهره‌گیری از سیاق، فعل محذوف در آیه ﴿وَالِیْ تُمُوْدَ اٰخَاهُمْ صٰلِحًا﴾ (اعراف / ۷۳) را «ارسلنا» می‌داند و در این باره می‌نویسد: «گاهی فعل در جمله‌ای محذوف است و چند فعل می‌تواند در تقدیر باشد، لیکن به شهادت فعل معین که در جمله دیگر واقع شده و در همین سیاق قرار دارد، می‌توان استظهار کرد که آن فعل محذوف کدام است؛ مثلاً در آیه ۷۳ سوره اعراف برای تعیین فعل محذوف می‌توان از آیه دیگر همان سوره، یعنی آیه ﴿لَقَدْ اَرْسَلْنَا نُوحًا اِلٰی قَوْمِهٖ...﴾ (اعراف / ۵۹) چنین استظهار کرد که فعل محذوف «ارسلنا» است.^۳

و. تکیه بر سیاق در شناخت واحد نزول آیات

مؤلف تفسیر تسنیم در تشخیص دادن وجه ارتباط بین آیات و نحوه ارتباط آیه قبل و بعد آن به اعتبار اینکه برخی از سوره‌های قرآن کریم به تدریج نازل شده، بر سیاق استناد و تکیه کرده است. برای نمونه ایشان با استناد به سیاق، آیات ۲۵۳ و ۲۵۴ سوره بقره را

۱. همان، ج ۳، ص ۲۱۸.

۲. کمالی دزفولی، سید علی، قرآن ثقل اکبر، ص ۲۲۴.

۳. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، ج ۱، ص ۱۱۴.

تداوم همان آیات ۲۴۶ تا ۲۵۲ می‌داند. آیات عبارت‌اند از ﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلِإِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى إِذْ قَالُوا لِنَبِيِّ لَهُمْ ابْعَثْ لَنَا مَلِكًا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَالَ هَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ أَلَّا تُقَاتِلُوا قَالُوا وَمَا لَنَا أَلَّا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أُخْرِجْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَأَبْنَاءِنَا فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ تَوَلَّوْا إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ * وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ * ... تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ تَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ * تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَ اللَّهُ ... وَلَكِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ * يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خُلَّةَ وَلَا شَفَاعَةَ وَالْكَافِرُونَ هُمْ الظَّالِمُونَ﴾

آیه‌الله جوادی آملی محتوا و سیاق آیات ۲۴۶ تا ۲۵۲ سوره بقره را که در خصوص داستان طالوت و جالوت می‌باشد گواه براین می‌گیرد که مطالب دو آیه ۲۵۳ و ۲۵۴ ادامه مسائل گذشته است و این آیات یک‌بار نازل شده‌اند.^۱

تسنیم در برخی موارد با استناد به قاعده سیاق، نزول هماهنگ آیات یک سوره را نیز اثبات می‌کند؛ به عنوان نمونه وی سیاق و نظم دو بیست آیه سوره آل عمران را گویای نزول یک‌بار آن می‌داند.^۲

ز. تکیه بر سیاق در پذیرش یا ردّ روایات

آیه‌الله جوادی آملی با بهره‌برداری از سیاق، برخی روایات را که با آیات هماهنگی نداشته‌اند رد کرده است. ایشان در خصوص واژه «حَجَر» در آیه ﴿وَإِذِ اسْتَسْقَى مُوسَى لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَّشْرِبَهُمْ كَلُوا وَاشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ﴾ (بقره/۶۰) به نقد دو روایت از امام

۱. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، ج ۱۲، ص ۳۶.

۲. همان، ج ۱۳، ص ۴۸.

باقره النبی که فرموده است: «نزلت ثلاثة أحجار من الجنة: حجر مقام إبراهيم وحجر بنی اسرائیل والحجر الأسود»، «إذا خرج القائم من مكة ينادى مناديه ألا لا يحملن أحد طعاماً ولا شراباً وحمل معه حجر موسى بن عمران وهو وقربعير ولا ينزل منزلاً إلا انفجرت عنه عيون فمن كان جائعاً شبع ومن كان ظمناً روى ورويت دوابهم حتى ينزلوا النجف من ظهر الكوفة» پرداخته، می نویسد؛ «این دو روایت نشان می دهد که سنگ مزبور حجر خاص و معهودی بوده است. اما این دو روایت با آنچه از سیاق آیه مورد بحث استظهار می شود، منافات دارد؛ زیرا ظاهر سیاق آیه این است که جوشش آب مربوط به تخته سنگ معینی بوده که در مکان خاصی نصب شده بود و مکان مزبور ظرفیت به وجود آمدن دوازده آبشخور جدا از هم را داشت. مقتضای ظاهر سیاق ﴿فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرِبَهُمْ﴾ این است که جریان یاد شده مربوط به واقعه خاصی بود که يك بار و در يك جا اتفاق افتاد و مکان واقعه، از وسعت و تناسبی برخوردار بود که می توانست دوازده آبشخور هر کدام حدود پنجاه هزار نفری را در خود جای دهد، نه این که سنگی بود به اندازه سر آدمی که حضرت موسی آن را با خود حمل می کرد.»^۱

ح. تکیه بر سیاق در نقد دیدگاه های مفسران

تسنیم آرای مفسرانی را که با سیاق آیات هماهنگ و سازگار نبوده، رد کرده است. نمونه هایی از این مورد به شرح ذیل است: در خصوص آیه ﴿وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَا بِبَعْضِهِمْ إِلَىٰ بَعْضٍ قَالُوا أَتُحَدِّثُونَهُمْ بِمَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ لِيُحَاجُّوكُمْ بِهِ عِنْدَ رَبِّكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ (بقره / ۷۶) که برخی مفسران مخاطب «أَفَلَا تَعْقِلُونَ» را مؤمنان می دانند: «يحتمل أن يكون الخطاب من الله تعالى للمؤمنين أي: أفلا تعقلون أن بنی اسرائیل منافقون في أقوالهم وأعمالهم وأنهم لا يؤمنون فلا تعتمدوا على ما يصدر منهم»، آیه الله جوادی آملی با بهره برداری از سیاق، دیدگاه مفسران را درباره این آیه رد می کند و در

۱. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، ج ۴، ص ۵۹۳ - ۵۹۸.

۲. موسوی سبزواری، سید عبدالاعلی، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۹۸.

بحثی با عنوان «احتمالی ناصواب» می‌نویسد: «مقتضای سیاق آیه این است که مخاطب در «أفلا تعقلون» همان مخاطب در «أتحدّثونهم» باشد؛ یعنی منافقان یا اوساط از یهود که حقایق تورات را افشا می‌کردند و مورد سرزنش رؤسای دینی خود قرار می‌گرفتند.»^۱

ط. بهره‌برداری از سیاق در کشف مکی و مدنی بودن سوره‌ها

مؤلف تسنیم از سیاق در تفسیر آیات، به شکل‌های گوناگون بهره گرفته است که برخی از آنها را ذکر نمودیم. ایشان سیاق آیات را به عنوان اصلی در شناخت آیات مکی و مدنی در نظر گرفته است. براین اساس، هرگاه سیاق دلالت کند که مضامین آیات متناسب با اوضاع و احوال مکه یا مدینه است، آیات را مکی یا مدنی می‌نامد؛ به عنوان نمونه مؤلف تسنیم، سیاق آیات سوره «انفال» را گواه خوبی بر مدنی بودن و نزول آن پس از جنگ بدر معرفی می‌کند؛^۲ زیرا برخی از اخبار جنگ مزبور را بازگو و مسائل مربوط به جهاد، غنایم جنگی و انفال را بیان می‌کند.

ی. بهره‌برداری از سیاق در تشخیص مخاطب آیات

تشخیص مخاطب آیه همواره مورد توجه مفسران بوده و هست. مؤلف تسنیم در مواردی با بهره‌گیری از سیاق، مخاطب آیه را ذکر می‌کند؛ به عنوان نمونه در آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَىٰ رَسُولِهِ﴾ (نساء / ۱۳۶) مخاطبان را به دارا شدن وصفی فرمان می‌دهد که از آن برخوردارند. مفسران در این زمینه وجوه فراوانی گفته‌اند. ایشان پس از نقل دیدگاه‌های متعدد در خصوص مخاطب آیه مذکور، بهترین دیدگاه را دیدگاه استادش مرحوم علامه طباطبایی می‌داند و می‌نویسد: «مؤمنان به تحصیل ایمان تفصیلی مأمور باشند. این، لطیف‌ترین تفسیر در بیان آیه مورد بحث و

۱. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، ج ۵، ص ۲۸۱.

۲. همان، ج ۲، ص ۳۹.

ابتکار محققان اهل تفسیر، مانند استاد علامه طباطبایی (ره) است که با سیاق آیات نیز هماهنگ است. در این آیه خدای والا با خطاب به مؤمنان به آنها فرمان داده است که به خدا، رسول، کتاب و... ایمان آورند. تفصیل در متعلق ایمان از یک سو و تهدید بر کفر به هر یک از آنها از دیگر سو، نشانه لزوم گسترش دادن آن ایمان اجمالی آغازین است.^۱

ک. تکیه بر سیاق در تشخیص درست عام و خاص

یکی از مباحث مهم در حوزه علوم قرآنی موضوع «عام و خاص» است. در این بحث، عام را بر خاص حمل می کنند و در حقیقت خاص از آن عام استثنا می شود. مفسران در کشف مراد خداوند از این بحث بسیار بهره ها برده اند. برخی مفسران بین آیه ﴿قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾ (زمر/ ۵۳) و آیه ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدِ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا﴾ (نساء/ ۴۸) قاعده عام و خاص قائلند و می گویند آیه ۵۳ زمر توسط آیه ۴۸ نساء تخصیص خورده است؛ به عنوان نمونه مؤلف *الکاشف* می نویسد ﴿إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا﴾ (زمر/ ۵۳) «فلفظ هذه الآية عام، و معناها واضح، و هو أنّ الله يغفر كل ذنب، حتى الشرك، ولكن آية ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ﴾ (نساء/ ۴۸) لفظها خاص، و معناها واضح أيضاً، و هو أنّ الله لا يغفر الشرك.»^۲

این سخن از سوی *تسنیم* در بحثی با عنوان «نقد نظریه خاص بودن آیه ۴۸ سوره نساء» مورد توجه قرار گرفته، می نویسد: این گونه جمع بندی آیات تمام نیست؛ زیرا آیه شریفه ﴿إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا﴾ با آیه ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ﴾ عام و خاص نیستند. معنای آیه ۴۸ نساء این نیست که خداوند شرك را نمی آمرزد؛ چه باتوبه و چه بی توبه، بلکه به این معناست که شرك بدون توبه آمرزیده نمی شود و اصولاً سیاق آیه در موردی است که مشرك توبه نکند.

۱. جوادی آملی، عبدالله، *تفسیر تسنیم*، ج ۲۱، ۱۲۸.

۲. مغنیه، محمد جواد، *تفسیر الکاشف*، ج ۲، ص ۳۴۳.

[لذا]... همه پیامبران، مشرکان زمان خود را به توحید دعوت کردند و توبه آنان هم پذیرفته شد، چنان که در صدر اسلام غیر از اهل بیت علیهم السلام همه یا بیشتر مشرک بودند و توبه کردند و خداوند توبه و ایمان آنان را قبول کرد و در فضیلتشان این کریمه نازل شد: ﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا﴾ (فتح / ۲۹) برای این اساس، این دو کریمه با یکدیگر ارتباطی ندارند و عام و خاص نیستند... سیاق آیه ۴۸ سوره نساء در فضایی است که سخن از توبه نباشد؛ زیرا شرک با توبه حتماً آمرزیده می شود؛ اما کمتر از شرک را برای هر کس بخواهد بدون توبه می بخشد: ﴿وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَن يَشَاءُ﴾^۱.

منابع

۱. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۰۱ق.
۲. ابن ابی الحدید، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه
۳. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، دارالنشر- بیروت
۴. بستانی، فواد افرام، فرهنگ ابجدی، انتشارات اسلامی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۵ش.
۵. _____، منجد الطلاب، ترجمه محمد بندریگی، تهران، انتشارات حر(با همکاری نشر سبحان)، چاپ شانزدهم، ۱۳۷۸ش.
۶. جصاص، احمد بن علی، احکام القرآن، تحقیق محمد صادق قمحاوی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۵ق.
۷. جوادی آملی، عبدالله، ادب فنای مقربان؛ شرح زیارت جامعه کبیره، تحقیق محمد صفایی، چاپ سوم، ۱۳۸۹ش.
۸. _____، تفسیر تسنیم، ۲۴ جلد تاکنون، انتشارات اسراء، قم، ۱۳۸۹ش.
۹. _____، کرامت در قرآن، نشر فرهنگی رجاء، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۷۶ش.
۱۰. حسینی جرجانی، سید امیر ابوالفتح، آیات الاحکام (تفسیر شاهی) تحقیق میرزا

۱. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، ج ۱۹، ص ۱۱۲.

- ولی‌الله اشراقی سرابی، انتشارات نوید، تهران، ۱۴۰۴ ق.
۱۱. حکیمی، محمدرضا و محمد حکیمی، و علی حکیمی، *الحیة*، ترجمه احمد آرام، ۶جلد، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۰ ش.
۱۲. خامه گر، محمد، *ساختار هندسی سوره های قرآن*، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۶ ش.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات الفاظ قرآن*، ترجمه و تحقیق غلامرضا خسروی ۴جلد، مرتضوی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۴ ش.
۱۴. رجبی، محمود، *روش‌ها و گرایش‌های تفسیری*، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۸۳ ش.
۱۵. سیوطی، جلال الدین، *الاتقان فی علوم قرآن*، ترجمه سید مهدی حائری قزوینی، نشر امیرکبیر، تهران، سوم، ۱۳۸۰ ش.
۱۶. شافعی، ابن ادریس محمد، *احکام القرآن*، بی تا.
۱۷. صدر، سید محمد باقر، *دروس فی علم الاصول*، دارالکتاب اللبنانی، بیروت، ۱۹۷۸ م.
۱۸. طباطبایی، محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ ق.
۱۹. طبرسی، فضل بن حسن، *تفسیر جوامع الجامع*، ترجمه گروه مترجمان، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ دوم، ۱۳۷۷ ش.
۲۰. _____، *تفسیر مجمع البیان*، تحقیق رضا ستوده، انتشارات فراهانی، تهران، ۱۳۶۰ ش.
۲۱. طبری، محمد بن جریر، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، با مقدمه آقا بزرگ تهرانی، تحقیق احمد قیصر عاملی، دارالمعرفه، بیروت، ۱۴۱۲ ق.
۲۲. طوسی، محمد بن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، داراحیاء التراث العربی، بیروت.
۲۳. علوی مهر، حسین، *تاریخ تفسیر و مفسران*، مرکز جهانی علوم انسانی، قم، ۱۳۸۴ ش.
۲۴. علی بن الحسین علیه السلام، *الصحیفة السجادیة*، ترجمه آیتی، سروش، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۵ ش.
۲۵. فاضل مقداد، جمال الدین مقداد بن عبدالله، *کنز العرفان فی فقه القرآن*، تحقیق سید محمد قاضی، مجمع جهانی تقریب المذاهب الاسلامیه، ۱۴۱۹ ق.
۲۶. فخررازی، محمد بن عمر، *مفاتیح الغیب*، داراحیاء التراث العربی، بیروت، چاپ

- سوم، ۱۴۲۰ق.
۲۷. قرضاوی، یوسف، *قرآن منشور زندگی*، ترجمه عبدالعزیز سلیمی، احسان، تهران: ۱۳۸۲ش.
۲۸. قرطبی، محمد بن احمد، *الجامع لاحکام القرآن*، انتشارات ناصر خسرو، تهران، ۱۳۶۴ش.
۲۹. کمالی دزفولی، سید علی، *قرآن ثقل اکبر*، اسوه، قم، ۱۳۷۲ش.
۳۰. کنعانی، سید حسین، «نقد هرمنوتیک از دیدگاه نظریه سیاق»، *مشکوة*، شماره ۱۰۹، ۱۳۸۹ش، ص ۸۱.
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، ۱۵ جلد، دار الحدیث، قم، ۱۴۲۹ق.
۳۲. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، ۱۱۱ جلد، دار إحياء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
۳۳. مدرسی، سید محمد تقی، *تفسیر من هدی القرآن*، دار محبّی الحسین، تهران، ۱۴۱۹ق.
۳۴. مروتی، سهراب و امان الله ناصری کریموند، «روش علامه طباطبایی در بررسی و نقد تفاسیر روایی با تکیه بر قاعده سیاق» دو فصلنامه علمی پژوهشی *حدیث پژوهی*، سال چهارم، شماره ۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۱.
۳۵. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، ۱۴ جلد، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۸ش.
۳۶. مغنیه، محمد جواد، *تفسیر الکاشف*، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۲۴ق.
۳۷. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، *زبدۃ البیان فی احکام القرآن*، مرتضوی، تهران.
۳۸. موسوی سبزواری، سید عبدالاعلی، *مواهب الرحمان فی تفسیر القرآن*، مؤسسه اهل البیت، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.
۳۹. نجار، علی، *اصول و مبانی ترجمه قرآن*، کتاب مبین، رشت، ۱۳۸۱ش.
۴۰. نسفی، عبدالله احمد بن محمود، *تفسیر النسفی*، بی تا.